

میزبسته است صاحب حبیب السیر ترجمه حال او را مختصر داده و از سنه تولد و تاریخ وفات او ذکر کرده است در نوشتن انواع خطوط استاد بود اما نسخ تعلیق را طوری می نوشت که دیگر خوشنویسان نه توانستند آنرا به پایۀ او برسانند. اکثر خوشنویسان و خطاطان آنوقت مانند مولانا اظہر و مولانا شہاب الدین و عبدالله آشپز و شیخ محمود کہریک آنها در خوشنویسی خود را این مقله و باقوت وقت می دانستند شاگرد او بودند.

جعفر جلال :

از صنعتگران و خوشنویسان خیلی معروف قرن نهم هرات است در زمان شاهرخ میرزا بن تیمور (۸۰۷ - ۸۵۰) هجری قمری در هرات میزیست در عصر خویش به خوشنویسی و خطاطی از اجلة استادان بشمار میرفت خطوط متداول را عموماً و ثلث را خصوصاً زیبا و استادانه می نوشت. از نمونه آثار خطی فناانا پذیراوی یکی کتیبه است به خط ثلث که برای مدرسه کوه شاد بیکم زوجه شاهرخ میرزا در ۸۴۱ نوشته و بروی سنگ مرمر حک شده است و در موزه هرات محفوظ می باشد.

ح

ژوبگاه علوم انسانی و فکری

حافظ هروی :

اسم و سنۀ تولد او بدست نیامده . بعد از مرگ سلطان حسین بایقرابغنی پس از سقوط نهضت علم و فن و صنعت در هرات در سنه ۹۱۹ هجری قمری بدرود حیات گفته است (۱)

حکیم جعفر هروی ؛ نخستین استاد بست که در ساحت هرات خط نستعلیق نگاشته و این روش را بنیاد کار گذاشته است.

جعفر هروی خوشنویسی است که در اکثر خطوط مخصوصاً ثلث مهارت و استادی کامل داشت بعضی را عقیده بر آن که حکیم جعفر در خوشنویسی شاگرد خواجه میر علی تبریزی بوده و برخی را نظر چنین که به شاگردی خواجه

میر عبدالله عبدالله شکرین قلم‌پسر خواجه موصوف رسیده است (۱) اما بناغلی فکری هر وی نویسنده معاصر مامی نویسند که بخدمت هر دور رسیده است (۲) .

حکیم جعفر در اوایل شهرت خویش در هرات به مرقع نگاری و قطعه آرایی مشغول بوده ولی بعدها بسوی بلخ و خوارزم و سمرقند مسافرت کرده و با لایحه به بخارا متوطن گشته است در آنجا هم کتابت می نمود و میگویند دیوان دقیقی بلخی را به امر امیر بخارا بنهایت دقت نگاشت و پس از آن به انعامات و نوازشات ملوکانه مفضول شد و مدتی در نهایت عزت زیست تاریخ تولد و سنه و وفات او معلوم نیست .

خ

خازن :

نامش ابو الفضل و از خطاطان و خوشنویسان معروف قرن ششم خراسان (افغانستان) است در مرگ او اختلاف است زیرا حبیب آرفندی صاحب خط و خطاطان ترکی آنرا در سنه ۵۱۸ هجری قمری و ابن خلکان در سنه ۵۴۲ هجری قمری مینگارند و ایشان متفق الرأی او را از جمله شاگردان ابراهیم بن هلال خطاط معروف عرب که با ملوک دیالمه معاصر بوده می شمارند این امر بکلی غلط ثابت می شود زیرا فاصله مدنی که بین خازن و ابن هلال بوده متجاوز از یکصد و پنجاه است یعنی ابراهیم بن هلال در سنه ۳۸۴ هجری قمری وفات کرده است .

بهر حال ابو الفضل خازن از اعجوبه خوشنویسان زمان بشمار میرفت چنانچه بقول صاحب پیدایش خط و خطاطان در مدت عمر خویش پنجصد نسخه از قرآن عظیم الشان نوشته و از زمره مخترعین خطوط رقاع و توقیع بحساب میرود طبع شعر نیز داشته و مخصوصاً در هر بی نظر به ایجابات زمان اشعار زیبایی سروده است که تا حال بنام او باقی است .

۱- صفحه ۴۲ تذکره خوشنویسان طبع هند .

۲- کلسکیون سال ۴ مجله ادبی هرات .

خوش مردان : میر محمود خوش مردان پسر خواجه علاؤالدین حسن بن باباعلی خوش مردان و از مردمان سبزوار هرات است پدر کلان باباعلی خوش مردان یکی از رجال صاحب حال متصوف معروف است از خود خانقاه بزرگ و مریدان زیاد داشت شاهرخ میرزا او را فوق العاده محترم و بزرگوار میدانست و بیوسته او را مورد لطف و عنایات شاهانه خود قرار میداد .

میر محمود خوش مردان که از طرف پدر وجود خویش رسوخ و اعتبار زیادی در بین مردمان داشت مرد بسیار فاضل و هنر ور بود در قسمت خوشنویسی اشتها رز یاد داشت و چندین خط مته اول را با بسیار لطافت و زیبایی بصورت اسستادانه می نوشت ، این مرد دانشمند در زمان سلطان حسین بایقرا میزیسته و سلطان و وزیر او یعنی میر علی شبر نوائی با وی التفات و عنایات بی پایانی داشتند میر محمود طبع شعر هم داشت اشعارش روان و متین اند .

قرار بسکه می گویند میر مذکور از اشخاص عادی نبود زیرا هیچ گاهی عصبانیت نمیکرد طبع حلیم داشته و شخص باصلاحیت بود مردمان آثار خطی او را به بسیار احترام حفظ و نگهداری میکردند . خط نستعلیق او مخصوصا تعریف و توصیف زیاد داشت و آنرا بی اندازه زیبا می نوشت .

رساله در حدود سنه ۸۹۷ هجری در خصوص اصول و قواعد نوشتن خط نوشت و در آن اصول نگارشش نوع رسم الخط را نگاشت .
در قسمت اخیر این رساله خود چند بیت برجسته در تعریف خط و خوشنویسی سرانیده و در بیت اخیر آن تاریخ تالیف کتباب را نشان داده است آن بیت اینست :

چون اصول شش قلم کردم رقم
گشت تاریخش « اصول شش قلم »

خندان

هرات ' تقریباً مدت بسک قرن ' یعنی از زمان سلطنت شاهرخ میرزا الی فوت سلطان حسین بایقرا مرکز و کانون صنایع جمیله بود که در آن صنعتگران و هنروران زیادی از قبیل نقاشان میناتور سازان ' معماران ' خاتم کاران ' و خوشنویسان بوجود آمد . مابنوبه خود چند نفر ازین هنروران را در شماره های گذشته مجله آریانا نوشتیم . اینک درین شماره به ترجمه حال سلطان محمد خندان که در زمره استادان بزرگ و خوشنویسان معروف آنجاست پرداخته در آیتده هم لیکارشات خود را درین زمینه ادامه خواهیم داد .

سلطان محمد خندان از آن ناموران هرات است که میتوان وی را در بوستان صنایع زیبای آن سامان گل سرسبد نامید . مشارالیه در اواخر قرن نهم هجری یعنی در زمان سلطان حسین بایقرا پابرسه وجود گذاشته و از مقدم او نگارستان معروف هرات رونق و شکوه تازه یافت . این استاد جلیل القهر تعلیمات ابتدائی و انتهای خود را در علوم متداوله آن وقت بهرات بیابان رسانیده ؛ چون ذوق مفراطی به صنعت خوشنویسی داشت به نزد خطاط معروف سلطانعلی مشهدی خوشنویسی را فرا گرفته مهارت بی پایان یافت بالاخره در زمره خوشنویسان رسمی دربار سلطان حسین بایقرا داخل شد چنانچه امیرعلی شیر نوائی و زیر نامدار هرات در تذکره معروف خود می نویسد :

« سلطان محمد خندان خوشنویس مقرر ممالک خراسان است و بدین قابلیت فرید زمان و بسکانه دوران است شیوه خط سلطان محمد خندان عیناً همان روش خط سلطان علی بوده و بی نهایت بخته و متین است اگر چه چندین خط رانیکو می نوشت ولی استعلیق اوزبائی و قشنگی مخصوص دارد این استاد معروف وطن نه تنها خوشنویس بلکه در شعر و ادبیات نیز ماهر بوده است اگر چه دائماً شعر نمی گفت و اشعار زیادی از او باقی نمانده ولی چند بیت که از وی نقل میکنند مقبول و زیباست . (باقی دارد) علی احمد نعیمی »